

مدیریت شهری

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

۱۴۹-۱۶۴

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۱

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۳

تأثیر تکنولوژی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن اقوام ترکمن

آرمین وس کاه - گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
سید هادی قدوسی فر* - استادیار، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

The impact of technology on life pattern in the housing Turkmen

Abstract

Today, the construction of housing on people's life pattern and lifestyle has a major impact. And cultural changes and evolution has created. Looking at the different regions of the old architecture, the size of these effects is more understanding. On the other hand, "Housing" phenomenon is consistent with the whole "social system" prevailing culture every nation takes shape; in fact, according to a set of values, meanings and norms that the "culture" is common. On the other hand, today's technology and how to build a life pattern in housing has affected and there, you can change the concept of "home" to "house" and causes a variety of changes in lifestyle and life pattern, especially in Turkmen that these changes in relationships and life pattern in their Turkmen native dwellings have revealed. Therefore, in this paper, the nature of basic research methodology "descriptive" data collection, including library and documentary studies and field studies have been used. And physical structure analysis method to evaluate the effectiveness of biological patterns of Turkmen and the like is used. Finally, the analysis of the impact of changes to a local house of (oy, Tom and others) and convert them into existing houses or new apartments in the area mentioned. And is analyzed.

Key words: culture, indigenous housing, construction technology, biological models, Turkmen.

امروزه چگونگی ساخت مسکن بر الگوهای زیستی و نحوه زندگی مردم تاثیر عمده‌ای داشته و تغییرات و تطورات مختلف فرهنگی را بوجود آورده است که با نگاه به معماری قدیم نواحی مختلف، ابعاد این تاثیرات بیشتر درک و فهم می‌شود. از سویی دیگر، «مسکن» پدیده‌ای است که منطبق با کلیت «نظام اجتماعی» حاکم بر فرهنگ در هر قوم یا ملتی شکل می‌گیرد و در واقع با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معانی و هنجارهایی که در «فرهنگ» رایج است؛ و با توجه به سنت و آداب و رسومی که بر ساختار فرهنگی یک قوم یا ملت حاکم می‌باشد، شکل مادی و معنوی فضاهای زندگی را بوجود می‌آورد. از سویی دیگر، امروزه تکنولوژی و چگونگی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن تاثیر داشته و دارد، چنانچه باعث تغییر مفهوم «خانه» به «مسکن» شده است و باعث تغییرات گوناگون سبک زندگی و الگوهای زیستی بالاخص در اقوام ترکمن شده است که این موارد در تغییر روابط و الگوهای زیستی در خانه‌های بومی ترکمنها خود را نمایان کرده است. لذا، در این مقاله با ماهیت تحقیق بنیادی از روش تحقیق «توصیفی- تحلیلی» و ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی استفاده شده است؛ و از روش تحلیل ساختار کالبدی برای بررسی تاثیر تکنولوژی ساخت و موارد مشابه بر الگوهای زیستی ترکمن بهره گرفته است. در پایان نیز ضمن تحلیل چگونگی این تاثیرات و تاثرات، به مجموعه تغییرات خانه بومی ترکمنها (اوی، تام و موارد دیگر) و تبدیل آنها به مسکن فعلی یا آپارتمانهای جدید در این منطقه اشاره شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مسکن بومی، تکنولوژی ساخت، الگوهای زیستی، ترکمن.

مقدمه

افراد برای بردن یا نبردن دیگران به خانه باید رفتارها و اعمالی را پیاده کنند، در واقع اینکه در خانه فضاهای متفاوتی وجود دارد که هریک از این فضاهای از کارکردهای متفاوتی اعم از «قدسی بودن، عرفی بودن، خاص بودن» برخوردار است، مورد تفسیر و تشریح قرار می‌گیرد. لذا باید گفت که «خانه و مسکن»، یکی از مهمترین اشکال «سازماندهی اجتماعی فضا» است که مانند بسیاری دیگر از مجموعه‌های ساخت بشر، ماهیتی دوگانه دارد: «۱. تحت تأثیر فرهنگ شکل می‌گیرد و ۲. به نوعه خود بر آن تأثیر می‌گذارد.» این فضا، در کانون توجه برخی از فیلسوفان معاصر مانند «گاستون باشلار» فرانسوی و «مارتن هایدگر» آلمانی قرار گرفته و به تبع آن، بحث‌هایی در سایر رشته‌ها نیز ایجاد شده است. الگوهای معنایی از خانه در زندگی روزمره انسانی به امتداد تاریخ گستردگی داشته و لذا در هر برده‌ای امکان پیدا کردن بنایی که جای خانه روزانه را در بخشی از سلوک زندگی انسان‌ها بگیرد، وجود داشته است. از سوی دیگر، شکی نیست که معماری در تعاملی دوسویه «هم بر فرهنگ و هم از فرهنگ تاثیر گذاشته و تاثیر پذیرفته» است، چنانچه مقوله جامعه‌شناسی شناخت، سعی در شناسایی این حلقه‌های مفهومی و معنایی تعاملات فرهنگ (جامعه) و معماری دارد؛ لذا رسیدن به یک فرایند اندیشه ارتباطی خاص بینابینی (بدون فرم و شکل از قبل تعیین شده) مشتمل بر عناصر خردگرا و حس-گرای اجتماعی معماری مانند فلسفه، زیبایی شناسی، پدیدارشناسی، و اخلاق، به عنوان ابزار و داده‌های فرآیند پایدارسازی بستر اجتماعی معماری با تکیه بر الگوی فکری خاص و نتایج اجتماعی مشخص به صورت واکنش‌های استاندارد ولی نسبی جامعه و نسبت به معماری با بازخورد ادراکی از معماری، از جمله مفاهیمی است که لازم است تا در رابطه فرهنگ و معماری خانه مورد بحث باشد. در این مقاله به نحوه تاثیر تکنولوژی بر الگوهای زیستی در مسکن پرداخته شده و نکاتی چند در این رابطه از

خانه و مسکن، نوعی «حریم فرهنگی» است که ما را از دیگری جدا می‌کند و در عین حال زندگی و همزیستی با دیگران را ممکن می‌سازد. داشتن سرزمهین و خانه‌ای از آن خود، نه تنها به معنای تثبیت و رهایی از سرگشتشگی است، بلکه به معنای دستیابی به «حریم خصوصی» است. «حریم» جایی است که انسان می‌تواند آرامش داشته و آنگونه‌ای که خود و فردیت او ایجاب می‌کند، زندگی و رفتار نماید. بر اساس این ویژگی‌ها می‌توان به شکل گیری نحوه تعامل افراد در فضای خانه و ساختار زیست در مسکن اشاره کرد. مطالعه اجتماعی و فرهنگی خانه از این بعد اهمیت دارد که ما به دنبال این باشیم که بدانیم این خانه با توجه به فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی منطقه چگونه ساخته می‌شود؟ در واقع با گذشت زمان و دستیابی به تکنولوژی‌های نوچه تغییراتی در الگوهای زیستی و سکونتی و بالتبع بر کالبد معماری خانه صورت می‌گیرد؟ شایان ذکر است که با توجه به فرهنگ و خرده فرهنگ‌های حاکم در مناطق بومی باید این پدیده را تفسیر و تشریح کرد؛ و یا اینکه هر فردی چگونه خانه را توصیف و ترسیم می-کند که در این مقاله، موارد فوق الذکر در خانه‌های پیشین ترکمنها و مساکن جدید آنها و تاثیر تغییر «تکنولوژی» در تغییر «سبک زندگی» و فضاهای کالبدی خانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در رابطه با الگوهای زیستی در مسکن بومی تحقیقاتی صورت گرفته که می‌توان به پژوهش‌های گستره‌ای توسط برومبرژه (۱۳۷۸)، خاکپور و دیگران (۱۳۷۸، ۱۳۹۰) و اسمیت و کرافت (۲۰۰۶) و ... اشاره کرد.

علاوه بر این، مطالعات اجتماعی به نحوه تعامل افراد در خانه اهمیت می‌دهد، در واقع برای پژوهشگر این تعاملات اهمیت دارد که از چه «محبتوا و معنایی» برخوردار است؟ با توجه به ساختار ارزشی و هنجاری که بر فرهنگ یک جامعه حاکم می‌باشد

با خوردگان آن در مسکن بومی ترکمنها مورد اشاره قرار می گیرد.

ادبیات تحقیق سکونت

«سکونت» را می توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمکانی انسان و محیطی مفروض می باشد که

- این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است؛ بدین ترتیب، انسان زمانی برخود وقوف می یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تشییت کرده باشد. سکونت از نظر هایدگر، فرآیندی است که آدمی در جریان آن «مکان بودن» را تبدیل به خانه می کند و با چهار منبع اصلی تفکر یعنی خدا، خود، آسمان و زمین به برقراری هماهنگی می پردازد (یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳)؛ به عبارت دیگر، «سکونت از نظر او سقفی را سایبان قرار دادن یا چند مترمربع زمین را زیر پا گرفتن نیست» (شولتز، ۱۳۸۷، ص ۹) و مفهومی فراتر از این است. درواقع، برقراری پیوندی پرمکانی انسان و محیطی مفروض است که در این رویکرد، خانه، فرضهای دارد که می باید با زمین و آسمان به انجام برساند. اولین مفهومی که بعد از شنیدن کلمه سکونت در ذهن انسان نقش می گیرد، ساکن شدن و اتراء کردن در یک مکان است. «هایدگر» مصیبت واقعی سکونت را «کمبود مسکن» نمی داند و به نوعی شاخص کیفیت را مطرح می کند، این که سکونت کردن فاقد فکر کردن و بنا کردن مناسب و درخور او شده است. «بی خانمانی» نیز به نظر او، بیش از آنکه نداشتن سقف بالای سر باشد در بیگانگی از تعادل است، تعادل بین امر مادی و معنوی، بین زمین و آسمان. آدمیان مدرن به فراموشی نسبت به چگونگی سکونت دچار گشته اند. بدین سبب چگونه در خانه بودن و ساختن را نیز به فراموشی می سپارند. اکنون آنان بدون آنکه مکان را تحت سکونت خود درآورند تنها در آن حضور دارند

(یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴). «کریستین نوربرگ شولتز» روش های سکونت را به چهار شیوه تقسیم

می کند:

۱. سکونت به صورت طبیعی؛

۲. سکونت مجمعی؛

۳. سکونت عمومی؛

۴. سکونت خصوصی.

از سوی دیگر، مسکن پدیده ای اجتماعی است و انتظام و نوع فضاهای همچنین فرم ظاهری آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می پذیرد. هدف اصلی مسکن به وجود آوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (پوردهیمی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). سکونت طبیعی اولین بار در آبادی شکل گرفت؛ لذا انواع جنبه های زیستی در مقوله سکونت عبارتند از:

۱. آبادی؛ محلی است که محیط طبیعی مفروضی را در برگیرد. در نتیجه، آبادی، صحنه رخداد سکونت طبیعی است. با توجه به تمایل انسان برای زندگی اجتماعی، سکونت گاههای جمعی شکل گرفتند.

۲. فضاهای شهری، صحنه ملاقات و دیدار است، جایی است که انسان ها در آن مصنوعات، اندیشه ها و احساسات خود را با یکدیگر مبالغه می کنند. بدین صورت، سکونت مجمع شکل گرفت. پس از شکل گیری سکونت گاههای مجمع، چارچوب های توافق بین انسان ها به وجود آمدند.

۳. توافق، بیان کننده ارزش ها و منافع مشترک است و امکان عضویت در گروه های اجتماعی را ایجاد می کند. از ملزمات توافقات اجتماعی، وجود فضاهای دیدار و مشترک بین اعضای اجتماع است. این فضاهای مکان های عمومی هستند که ارزش های مشترک در آنها نگهداری می شوند. سکونت عمومی، پس از توافق اجتماعی و ایجاد مکان های عمومی معنی پیدا می کند.

۴. جنبه دیگر سکونت، خلوت فرد است که یکی از

جدول ۱. مفاهیم کمرنگ شده در ساخت و سازهای جدید؛ مأخذ: بیتی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰.

مفهوم کم رنگ شده در ساخت و سازهای جدید	
-کم رنگ شدن مسائل اقلیمی	-تبديل فرم ارگانیک واحدهای مسکونی به فرمهای کاملاً هندسی
-نمادیده گرفتن مسائل مربوط به محرومیت در فضاهای استفاده از مصالح روز (بدون توجه به بافت پیرامون واحدها)	-حذف فضاهای نیمه باز و بینایین در واحدها
-طرایحی نماهای همسان با خانه‌های شهری	-حذف کارکرد حیاط و تبدیل آن به پارکینگ
-عدم توجه به اندازه فضاهای	-حذف فضاهای خدماتی در واحدها
-عدم توجه به دید و منظر	-تفکیک کامل فضاهای زیستی بر اساس کارکرد
	-حذف سلسله مراتب ورودی

با طبیعت به حیات خود ادامه دهد. بنابراین مسکن نه تنها رنگ تاریخ بلکه رنگ جغرافیا نیز دارد. اما در اینجا نیز انسان به دستکاری طبیعت می‌پردازد و بر آن مسلط می‌شود تا بتواند خانه‌ای بسازد که با فرهنگ او سازگار باشد نه صرفاً با مقتضیات طبیعت. از اینرو، خانه را باید بیش از هر چیز «برساخته» یا «سازه‌ای اجتماعی و فرهنگی» دانست نه صرفاً سازه‌ای از مواد و مصالح چوب، سنگ. بطور عام فضای مسکونی را که انسان‌ها در آن اقامت و زندگی می‌کنند «خانه» می‌نامند. مسکن از منظر «مهندسی عمران»، یک بناست که در ترکیب با ابعاد زیبایی شناسانه و با تدقیق پتانسیل زیستی درونش وجهی معمارانه نیز به خود می‌گیرد. در هر دوره تاریخی، فرم خانه متناسب با شرایطی که انسان در آن قرار داشته، تعییر کرده است. این تحول را می‌توان از روی نمونه‌ها و بقایای موجود خانه‌های اقوام نخستین تا اقوام امروزی مشاهده کرد. خانه به مثابه یکی از مولفه‌های اساسی زندگی اجتماعی، نقش اساسی در فرهنگ انسانی دارد. این پدیده منطبق با کلیت نظام اجتماعی حاکم بر فرهنگ انسانی در هر قوم یا ملتی شکل می‌گیرد. در واقع با توجه به فرهنگ و ریشه‌هایی که بر ساختار فرهنگ یک جامعه حاکم است، شما در خانه با آیین‌های بسیاری روبرو می‌شویم؛ که باید هریک از این آیین‌ها معناشناصی و مفهوم‌سازی گردد. از منظر دیگر باید اشاره به این کنیم آنچه که خانه را به عنوان یک وجه فرهنگی و اجتماعی برای ما بالهمیت کرده است؛ این که این

ابزارهای شکل‌گیری و پرورش هویت فرد است. این شیوه سکونت را می‌توان با توجه به فعالیت‌هایی که باید از دخالت دیگران دور نگه داشته شوند، سکونت خصوصی نامید. به طور کلی؛ آبادی، فضاهای شهری، فضاهای و نهادهای عمومی و خانه همراه یکدیگر، محیط کل یا محل سکونت (جایی که در آن سکونت به صورت طبیعی، مجتمع، عمومی و خصوصی شکل می‌گیرد) را به وجود می‌آورند.

درییت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۲

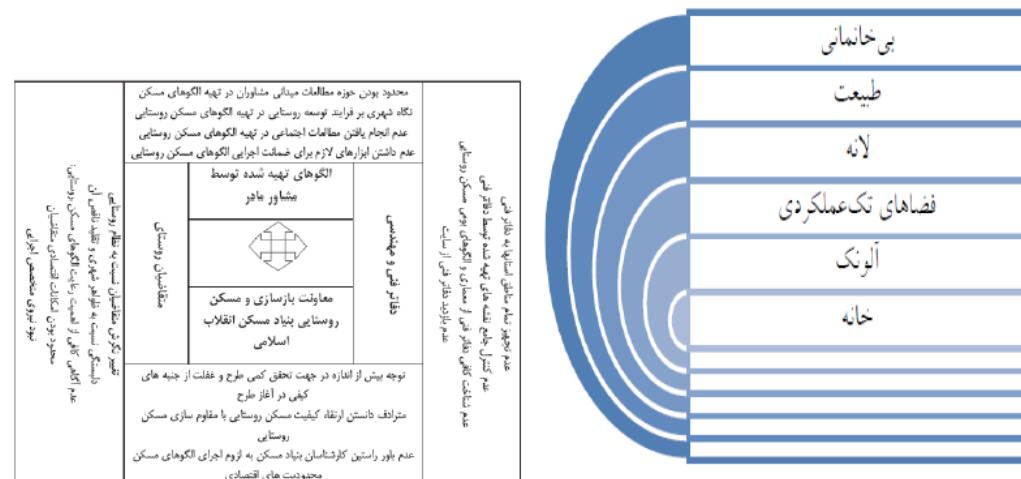
در ادبیات علمی و به تبع آن در این پژوهش، مسکن صرفاً بنایی نیست که به عنوان خانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. مسکن (housing) کلیتی از مباحث عمران، معماری و شهرسازی، علوم اجتماعی، اقتصاد، و جمعیت‌شناسی را در بر می‌گیرد. عناوینی چون همسایگی (neighborhood)، نوع تصدی (صاحب خانگی) (homeownership) یا استیجاری و غیره، شکل خانه (آپارتمانی یا ویلایی، مجتمع مسکونی (residence) یا خانه شخصی (Owner-occupied)، خوابگاه اشتراکی و غیره)، و بازار مسکن ذیل بحث مسکن را مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مطالعات مسکن را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد؛

۱. «فرهنگی، زبانشناختی و تاریخی»؛
۲. «فلسفی و پدیدارشناختی»؛ و
۳. «روانشناختی».

خانه از هر نوعی که باشد لاجرم در طبیعت و بر روی طبیعت و با استفاده از مواد بدست آمده از طبیعت ساخته می‌شود. و نمی‌تواند بدون سازگاری



نمودار ۱. محیط زیست و بستر فرهنگی برای ظهور معماری بومی؛ مأخذ: خاکپور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۳.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۳

تابع ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است به نحوی که بیشترین همخوانی را با مدل آرمانی آن فرهنگ داشته باشد. در واقع آنچه انسان می‌سازد از بنای یک خانه گرفته تا یک شهر، تجسمی از آرمان‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی است. به نظر راپاپورت فرهنگ به «مجموعه ارزش‌ها و عقاید مردمی که ایده‌آل‌ها و آرمان‌های آن‌ها در یک جهان‌بینی شکل گرفته است» اطلاق می‌شود. بر اساس این اصول و قواعد است که مجتمع‌های زیستی در عین ساخته شدن به دست افراد مختلف به صورت یک «تمامیت با هویت» در می‌آیند و قابلیت تمییز از دیگر نمونه‌ها را پیدا می‌کنند (Rapaport, ۱۳۶۶، ص ۱۷).

لذا تجزیه و تحلیل فرهنگ برای طراحی محیط‌های مصنوع اهمیت دارد؛ چراکه شیوه هرکدام از گروه‌ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات،

پدیده نقش بسیار موثر و تأثیرگذاری بر شکل دادن هویت فردی و جمعی دارد. در واقع با توجه به اصل جامعیت، خانه جزئی از فرهنگ یک جامعه است که قابل مطالعه است.

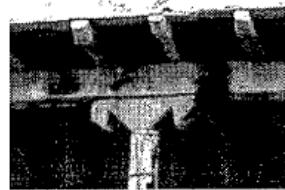
فرهنگ و الگوهای زیستی در مسکن

پیش از پرداختن به این بخش باید اشاره کرد که «راپاپورت» برای توضیح رابطه «فرهنگ و محیط»، مفهوم فرهنگ را تجزیه می‌کند. در قدم نخست فرهنگ را نوعی جهان‌بینی قلمداد می‌کند. جهان‌بینی نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی‌شناسی است. ارزشها، دربرگیرنده مجموعه‌ای از ایده‌آلها و آرمان‌های است که هنجارها و قوانینی را شامل می‌شود. نوعی روش زندگی را شکل می‌دهد که کلیه فعالیت‌ها بر اساس آن تنظیم می‌شود. به عبارت دیگر، کیفیت انتظام بخشی محیط مصنوع



تصویر شماره ۱ سطح زمین اختصاص یافته به مسکن متأثر از موقعیت جغرافیایی فرهنگی و نوع معیشت در مسکن (بندر دیوان استان هرمزگان)

تصویر ۴ ضرورت توجه به تکنولوژی و دانش بومی در طراحی و ساخت بروژهای نوسازی مسکن روستایی و ارمناقی آن (روستاهای کلانه خیج استان سمنان)



تصویر ۲. تکنولوژی و دانش بومی در نوسازی مسکن؛ مأخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۹ و تصویر ۳. سطح زمین

اختصاص یافته به مسکن متأثر از جغرافیای فرهنگی و نوع معیشت مسکن؛ مأخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۸.

۱۳۸۲، ص ۶۶). لذا انطباق پذیری مسکن می‌تواند راهکاری برای ترسیم چهره‌ای جدید از مساکن جدید بشمار رود که الگوی آن در نمودار زیر بیان شده است.

مولفه‌های فرهنگی- اجتماعی ترکمنها در مسکن

در مورد تاریخ اقوام ترکمن ابهامات فراوانی وجود دارد. اما با وجود این ابهامات نکات مشترکی که در مورد تاریخ ترکمنها در منابع وجود دارند به ما می‌گویند که این قوم شاخه‌ای از ترکهای آسیای میانه‌اند و در بخش جنوب غربی آسیای مرکزی (جمهوری ترکمنستان)، نواحی شمال ایران (ترکمن صحرا)، افغانستان و چند گروه از آنها در عراق و ترکیه زندگی می‌کنند. «آ.وامبری» در سیاحت‌نامه درویش دروغین، ترکمن‌ها را به طوایف زیر تقسیم می‌کند (وامبری، ۱۳۶۵، ص ۳۸۴): «۱. چاودور؛ ۲. ارزاری (ارساری)؛ ۳. آل علی؛ ۴. قره؛ ۵. سالور؛ ۶. ساریق؛ ۷. نکه؛ ۸. گوگلان؛ ۹. یموت».

«ساختار اجتماعی اقوام ترکمن» (ترکمن‌های ایران): در اینجا به صورت مختصر به بررسی برخی مؤلفه‌های اجتماعی مرتبط با موضوع می‌پردازیم. ۱. «ساختار ابتدایی اقوام ترکمن» (جامعه شبانی): جوامع ابتدایی اقوام ترکمن جوامع شبانی بوده و این مردمان زندگی شبانی (کوچ نشینی و بیانگردی) داشته‌اند. جوامع شبانی جوامعی هستند که اساساً به چهارپایان اصلی متکی‌اند؛ (گیدنر، ۱۳۷۹، ص ۷۱) و از ویژگی‌های مهم این جوامع دائم در حال حرکت بودن ایشان برای یافتن

حرفه، ایدئولوژی وغیره آن را تعیین می‌کند. روش زندگی به طور فزاینده‌ای در تقسیم‌بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه زندگی افراد را می‌توان با سنجش الگوی مصرف، خوراک، حمل و نقل، رسانه‌ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط اجتماعی تعیین نمود (پوردیهیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). از سویی دیگر، معماری نزد بشر اولیه با «تعیین حریم و شاخص کردن قلمرو» صورت پذیرفت و با گذر زمان به شکل پیچیده‌ای «بازتاب وضعیت زندگی اجتماعی» بشر شده است. تحقق نیاز به تصرف فضای تغییرات آن که در ابتدا با عالمتگذاری انسان صورت می‌پذیرفت، در طی زمان تکامل پیدا کرد: «۱. نخست آنکه پاسخگوی ارتقاء شعور و مفهوم هر آن چیزی است که انسان در دنیای پیرامونی خود انجام می‌دهد و بازنمایی کارهای وی و فرافکنی مقیاس کوچکی از دنیایی است که برای خود ساخته است؛ و ۲. دوم در پاسخ به نیاز بشر به ارتقاء رفاه و ویژگی تلاش برای بهبود وضعیت محیط زیست پیرامون، متناسب با اوضاع اجتماعی مشخص تغییر یافته است» (خاکپور و شیخ مهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱).

از سویی دیگر با تغییر در نظام خانواده فضاهای سکونتی نیازمند تحول می‌باشد. در حال حاضر زندگی در خانواده‌های هسته‌ای و در مسکن جدید تحت تاثیر تغییرات سنی کودکان و بزرگسالات و تغییر نیازهای آن در طول زمان است (عینی فر،

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۴

وجود می آمد. با مهاجرت ترکمن ها و رسیدن آنها به ترکستان اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایشان نیز به تدریج تغییر کرد. این تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ترکمن ها در مراحل زیر و به مرور زمان پیش آمده است: مرحله اول: بیابان گردی و کوچ نشینی؛ ۱. مرحله دوم: رسیدن به ترکستان و ترکمن صحرا و ساکن شدن در آن؛ مرحله سوم: یکجانشینی و گرویدن به اسلام؛ مرحله چهارم: روستانشینی و شهرنشینی (پورکریم، ۱۳۴۶، ص ۱۸۲).

ترکمن ها برای سازگاری خود و ادامه بقا در هر مرحله به

تغییرات، در طی زمان، تن داده اند.

۲. «**ازدواج و مراسم آیینی**»: پورکریم در مجموعه مقالات خود در مجله هنر و مردم رابطه هر فرد ترکمن با یکی از طایفه های بزرگ ترکمن را به صورت زیر نشان می دهد (پورکریم، ۱۳۴۶، ص ۶۴):

فرد ← خانواده ← ابه ← تیره ← طایفه

بیان یافته های تحقیق

نوع فعالیتهای اقتصادی و چگونگی معیشت در خانه های بومی و سنتی تاثیری شگرف بر معماری این بنها داشته است؛ چنانچه خانه های بومی برای انطباق با معیشت و نوع زندگی روستاییان یا ساکنان آنها ساخته می شده است که نمونه های ان در معماری خانه های ترکمن نیز دیده می شود. لذا، «عامل دیگری که در کل مسکن تاثیر دارد نوع رفتار و فعالیتهای معیشتی مردم است» (خاکپور، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

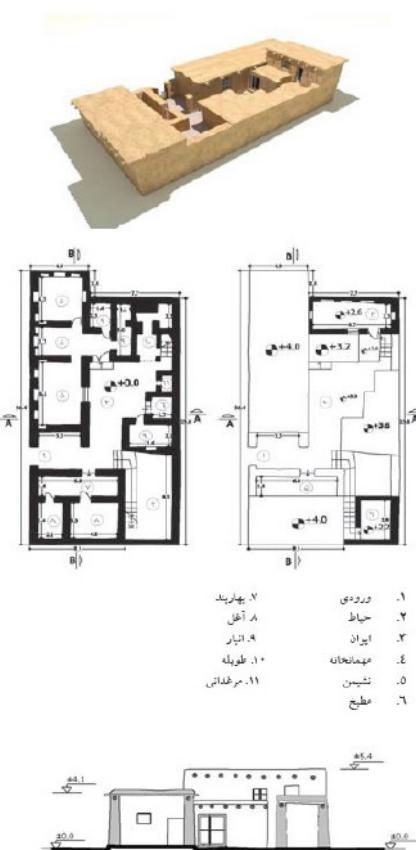
اقوام ترکمن در زندگی کوچ نشینی خود دارای آداب و رسوم و نوع زندگی خاصی بوده اند که با یکجانشینی این آداب و رسوم را به خانه ها و محیط روستایی یا شهری خویش منتقل کردند. اصیل ترین منزلگاه ترکمنها، آلاچیق شان می باشد که در دوره دامداری و کوچ نشینی مأمن و پناهگاه ایشان شمرده می شد. ساخت آلاچیق ها، مراسم همراه آنها، تزیینات داخلی آلاچیق ها، نوع خاص زندگی ترکمن ها را نشان می دهد؛ با یکجانشین

چراگاه های بهتر برای دام های خود می باشند. این تحرکات خود موجب آشنایی با فرهنگ ها و جوامع مختلف در سر راه یافتن چراگاه می شوند و همانگونه که ذکر شد گاه این تحرکات به صورت مهاجرت های عظیم، موقعیت تاریخی و جغرافیایی منطقه ای وسیع را تحت الشعاع قرار می دهند. اما جوامع کشاورزی به جوامعی می گویند که به کشت محصول می پردازند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱). جوامعی همچون جامعه ترکمن ها در مقاطعی دارای اقتصاد مختلط شبانی و کشاورزی بوده اند. تحرک جوامع شبانی و سکون جوامع روستایی باعث پیدایش گونه های متفاوتی از نمادها و نشانه ها می شود (کیتسی، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

۲. «**ساختار ایلی**»: ترکمنها پدرتبار هستند. آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده های گستردگی بسیار بزرگ با یک رئیس خانواده (پدر) مقدر و مستبد بودند. جامعه ترکمن جامعه ای شبانی است و دارای ساختار ایلی می باشد. در این ساختار آنچه اهمیت می یابد روابط عشیره ای و خانوادگی در یک ایل می باشد. به دیگر سخن، یک ایل مجموعه ای از واحدهای اجتماعی است که از پیوستن خانوارهای هم نسبت به وجود می آید (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰). بنابراین تبار و خویشاوندی یکی از عوامل مهم این نظام است و تقسیم اجتماعی کار در نزد ایشان نیز در قالب همین سازمان خانوادگی شکل یافته است (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹). ترکمن ها همانند بسیاری از عشایر ایران زمین دارای ساختاری قبیله ای و عشیرتی بوده اند. ویلیام آیرونز در مقاله ای این نظام را در ساختاری سیاسی تعریف می کند. وی می گوید: «کوچکترین واحد سیاسی ترکمن ها خانواده هایی بودند که با هم بیشتر از هفت پشت پدری فاصله نداشتند. از این رو از اتحاد چند واحد، با چنین وضعیت، «ابه» به وجود می آمد، از اتحاد چند «ابه» یک «طایفه» از اتحاد چند «طایفه» یک «قبیله» از اتحاد چند «قبیله» یک «ایل» و از اتحاد چند «ایل» گروه قومی یعنی ترکمن به

(خانه)؛ ۳- ساختمان‌های مدرن امروزی. اوی‌های ترکمنی؛ ترکمنها در قدیم اوی را به دلیل قبه‌ای شکل بودن، قبه‌ای از قبه‌های بهشت می‌دانستند و آن را مظہر سلامتی و نشانه سخاوت و آسایش می‌شمردند؛ به دلایل زیر: الف- در مقابل زلزله مقاوم بود؛ اگر آسیبی هم به وسائل خانه- وسائل شکستنی- وارد می‌آمد برای جان افراد هیچ نوع نگرانی نداشت. ب- در ورودی بدون قفل بود و همیشه برای ورود مهمان آماده: زیرا ترکمن‌ها مهمان نوازی را نشانه سخاوت می‌دانستند. ج- نصب کردن، برچیدن و حمل و نقل اوی آسان بود. آلاچیق در واقع مسکن اولیه ترکمنها بوده و با ساخت اجتماعی آنها کاملاً همخوانی دارد. البته در حال حاضر، آلاچیق بسیار بندرت یافت می‌شود و

شدن و آغاز کارخانه سازی ترکمن‌ها، باز می‌توان نشانه‌هایی از آلاچیق ترکمنی را در خانه‌های روستایی نیز یافت، فضای بدون دیوار اولین خانه‌های ساخته شده در ساحل دریای خزر، در منطقه گمیشان، خواجه نفس و بندترکمن، منازلی با اتاق‌های محدود و فضاهای باز و بدون تقسیم بندی برای حریم خصوصی افراد، آویزه‌های روی دیوارها که در آلاچیق‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت، کمدهایی که روی آنها رخت خواب می‌گذاشته‌اند، همه در منازلی که اکنون ترکمن‌ها سکونت دارند کمابیش به چشم می‌خورند. مسکن ترکمن‌ها با توجه به این که در ابتدا کوچ نشین بودند و در این صد سال اخیر، به تدریج یکجا نشین شدند. از نظر فنی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ای (آلاچیق)، ۲- تام



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۶

تصویر ۴. (به ترتیب از راست به چپ) خانه با معیشت دامی و فروش لبندیات؛ روستای موسی آباد از توابع شهرستان آشتیان، مأخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۸؛ و تصویر ۵. خانه با معیشت کشاورزی، روستای آجان از توابع شهرستان زرنده؛ مأخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۹۸.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۷

سازگاری کامل دارند. اما ترکمنها نمی‌توانند آنگونه خانه بسازند که یک روستایی گنابادی، یزدی، کاشانی می‌سازد که با استفاده از سقفهای گنبدهای قوسی فضایی وسیع ایجاد می‌کند. او مجبور است با تیرهای چوبی سقف را پرکند و فاصله آنها را هم از حد معینی نمی‌تواند زیادتر کند زیرا ممکن است سقف شکم آورده و بشکند که در این حالت باید با زدن ستون، بار سقف را به ستونها منتقل کند.

۳. «مالکیت منطقه»: مالکیت منطقه شمال غربی خراسان متعلق به ترکمنها می‌باشد که آنها از منابع طبیعی این منطقه نهایت استفاده را برده‌اند.

۴. «وجود جنگلهای ارس»: به دلیل اقلیم و پوشش گیاهی این منطقه، اگر ترکمنها این همه چوب ارس در دسترس نداشتند برای پوشش سقفهایشان راه دیگری را انتخاب می‌کردند.

۵. «پلان ساختمان»: در یک روستای ترکمن نشین معمولاً به خانه‌هایی بر می‌خوریم که دارای چندین اتاق در کنارهم می‌باشند. این اتاقها در یک ردیف قرار داشته و هر کدام دری دارند که به سمت ایوانی سرتاسری بازمی‌شود. این ایوان دارای سقفی است که بر روی ستونهای متعددی استقرار پیدا کرده است. معمولاً در زیر این اتاقها طبقه دیگری هم وجود دارد که به عنوان طویله یا انبار به کار می‌رود. بعد از اتاقها از ۵*۴ متر تجاوز نمی‌کند ولی طول ایوان یا به عبارتی در ازای ردیف اتاقها بسیار متغیر بوده و به گستردگی یک خانه یا حتی یک خاندان بستگی دارد. در بعضی موارد هر اتاقی برای خود توالی دارد که بیرون ردیف اتاقها و در گوشه‌ای از محوطه ساخته می‌شود. علاوه بر این در میان محوطه به یک تنور برمی‌خوریم که از سطح زمین بلندتر ساخته شده و برای استفاده همه اتاقها مشترک است.

تمهای ترکمنی؛ این ساختمان کوچک (تام) نمونه اولیه ساختمان‌های چوبی ساخته شده در نواحی ساحلی ترکمن صحرا می‌باشد. اکنون اصطلاح

تنها محدودی از ترکمن‌های کوچ رو از آن استفاده می‌کنند. معمولاً طرز قرارگیری اوی‌ها به این ترتیب است چند اوی در کنار هم قرار می‌گیرند که نشانه ارتباط اجتماعی، خویشاوندی و اقتصادی ساکنان آنها می‌باشند زیرا اوی‌های همسایه معمولاً خویشاوند بوده و دارای مرتع مشترکی هستند و دامهای آنها در یک گله چرا می‌کنند. هر چند تا اوی را مجموعاً یک (ابه) (oba) می‌خوانند. ابه‌ها به فاصله یک تا چند کیلومتری هم قرار دارند. مجموعه چند ابه یک طایفه و نهایتاً هر چند طایفه یک ایل را تشکیل می‌دهند. بنابراین برای هر فرد ترکمن، این سلسله مراتب اجتماعی مصدق دارد: فرد- خانواده (اوی)- ابه- تیره- طایفه- ایل. معمولاً اوی‌های هر ابه را برروی یک خط مستقیم بر پا می‌کنند و آلاچیق ریش سفید و بزرگ در ابتدای این ردیف قرار می‌گیرد. پس از یکجاشین شدن ترکمن‌ها و تبدیل آلاچیق به خانه‌های سابق در یک جمله می‌توان از آنها به عنوان مساکن سنتی یاد کرد. در ساختن مساکن سنتی از مصالحی استفاده می‌شود که در محیط طبیعی پیرامون وجود دارند. فراونی استفاده از چوب در مسکن ترکمنها بسیار چشمگیر است. دلیل استفاده ترکمنها از خانه‌های سنتی که امروزه کاهش یافته است، به چهار عامل برمی‌گردد که عبارتند از:

۱. «عوامل فرهنگی»: گرچه ترکمنها دیگر در آلاچیق زندگی نمی‌کنند و یکجاشین شده‌اند، ولی ساخت جامعه ترکمن تغییر چندانی نکرده است. کاملاً آشکار است که استفاده از چوب در این آلاچیق‌ها بسیار فراوان است، پس به کار بردن چوب در ساخت مسکن یک عادت فرهنگی است و یک قسمت کوچک از ساخت جامعه ترکمن است.

۲. «تکنولوژی ناقص معماری»: در بررسی خانه‌های کاشان، یزد، کرمان و غیره که سابقه یکجاشینی چند هزار ساله دارند می‌بینیم سابقه یکجاشینی باعث افزایش تجربه مردم بومی در رابطه با معماری شده است و خانه‌ها با محیط طبیعی

فعالیتهای اقتصادی در تام؛ نوع رفتار و فعالیت‌های معيشی و اقتصادی پس از اسکان در بین ترکمن‌ها، از عوامل دیگر شکل گیری تام‌ها بوده است. با اسکان این قوم تا مدتی تغییر اساسی در نوع فعالیتهای معيشی ایشان به وقوع نپیوست و تام‌ها، بر اساس همان فعالیت‌های معيشی موجود در آلاچیقه‌ها ساخته می‌شده‌اند. در مناطق ساحلی کار اصلی مردم ترکمن ماهیگیری می‌باشد و در کنار آن ترکمن‌ها به کار قدیم خود، دامپروری و گاه‌آئی به کشاورزی می‌پردازند، چراکه به علت شور بودن آب این مناطق وجود بادهای شدید دریایی، امکان کشت و کار و باغداری در این نواحی اندک است. مساکن سنتی این مناطق بر روی پایه‌هایی ساخته می‌شوند، در برخی از طرح‌ها این پایه‌ها به قدری بلند انتخاب می‌شوند که در زیر بنا فضایی خالی باقی می‌ماند. از این فضا گاه‌آئی به عنوان محل نگهداری حیوانات استفاده می‌شود و در برخی موارد به عنوان انبار یا کارگاه قالیبافی برای زنان مورد استفاده دارد. اما غالباً محل نگهداری حیوانات و کارگاه‌ها یا انبار علوفه جدا از بنا ساخته می‌شوند. در کنار برخی ساختمان‌ها مکانی به نام تلار (Talar) وجود دارد که به عنوان محل آسایش تابستانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است و دارای پایه‌های بلندی از چوب است که در زیر آن محلی برای نگهداری دام‌ها در نظر گرفته می‌شده است. یکی از فعالیت‌های زنان ترکمن نخریسی بوده است که جهت انجام این کار در سقف تامها حلقه‌یی برای آویختن دوک نخریسی تهیه می‌شده است و ترکیبی بدیع و زیبا از همسازی فعالیتهای اقتصادی و معيشی با سازه مسکن را نمایش می‌دهد چنانچه این حلقه‌ها غالباً در سقف تام تعییه می‌شده‌اند. از جمله مهمترین فعالیت اقتصادی زنان ترکمن قالیبافی می‌باشد که برای تسهیل این فعالیت اقتصادی زنان ترکمن در تام، در نظر گرفتن اتفاق یا انباری جهت تهیه قالی از مهمترین بخش‌های طرح‌ریزی و ساخت تام بوده

«تام» در مورد هر ساختمانی که ساخته می‌شود، صرف نظر از هر گونه مصالحی که در آن به کار رود، در زبان ترکمنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اولین نمونه نسبتاً پیچیده معماری ساحلی ترکمنها را می‌توان اقامتگاه محمد علیشاه در شهر خواجه نفس دانست (گلی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲). مناطق ساحلی ترکمن نشین استان گلستان، دارای آب و هوایی مرطوب و در فصل‌های سرد سال، اغلب بارانی است. بر این اساس مسکن این مناطق، هم باید جوابگوی نیاز انسان به سر پناه باشد و هم آسایش اقلیمی ایشان را به طور نسبی تأمین کند. از این رو مشاهده می‌شود، مساکن این ناحیه به گونه‌یی طراحی شده‌اند که رطوبت غیر قابل تحمل اقلیمی را کاهش دهند تا شرایط دما و رطوبت، در حد آستانه آسایش ساکنان قرار گیرد. به این دلیل این ساختمانها دارای ایوان‌هایی در چهار طرف بنا می‌باشند و دور تا دور آنها پنجره‌های شده است تا حرکت جریان‌های هوا را که از دریا بر می‌خیزند، در داخل بنا تسهیل نمایند. ایوان در تام کم عرض می‌باشد و تنها کارکردهایی از جمله استراحت، غذا خوردن و پرداختن به کارهای روزانه در ایوان این نوع ساختمان، امکان‌پذیر می‌باشدند، در عین حالی که وجود جریان هوا که از جانب دریا می‌وزد، باعث می‌شود تا نیاز چندانی به استفاده وسیع از ایوان‌ها احساس نشود. به علت رطوبت بیش از حد زمین و گرمای شدید در فصل تابستان، تامها را برای محافظت از رطوبت، منفصل و جدای از زمین می‌ساخته‌اند. این ساختمان‌ها چه به جهت تنظیم دمای درون ساختمان (تنظیم شرایط محیطی) و چه به جهت محافظت از رطوبت بیش از حد خاک، بر روی پایه‌هایی در حدود نیم و گاه‌آی یک متر ساخته می‌شده‌اند. سقف این سازه‌ها نیز متناسب با شرایط اقلیمی این مناطق طراحی شده است چنانچه بطور مثال سقف‌هایی که به صورت زیر شیروانی می‌باشند، برای جمع آوری آب باران در آب انبار کنار ساختمان نیز مناسب بوده‌اند.

است. در زمستان ها معمولاً دار قالی در یکی از اتاق های تام برپا می شده است و در تابستان در کارگاه یا انباری بیرون از تام دارهای قالب بافی برپا می شده است. اصلیترین فعالیت اقتصادی مردان این منطقه ماهیگیری است. از آنجا که برای نگهداری ماهی، معمولاً آن رانمک سود می کنند و ماهی های نمک سود شده را در اتاقی نگاه می دارند، این فضانیز در طراحی تام مورد توجه است، چنانچه معمولاً برای نمک سود کردن ماهی ها آنها را زنگ نیز در طراحی تام مورد توجه است، چنانچه طناب یا سیمی از ستون های طبقه دوم تام در ضلع جنوبی آن که آفتابگیر است، می آویزند.

نتیجه گیری

فرهنگ خانه از منظر انسان شناختی «مجموعه ارزش ها و معانی است که چیستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می کند.» اینکه خانه را چگونه بسازیم، از چه مصالحی و موادی بهره بگیریم، چه نمادها و نشانه هایی در آن بکار ببریم، درباره آن چه احساس و تلقی داشته باشیم، چه کارهای و فعالیت هایی در آن انجام بدھیم یا انجام آنها در خانه را من نوع کنیم، چگونه خانه خود را توصیف و ترسیم نماییم، چه کسانی را در خانه ببریم و از ورود چه کسانی اجتناب کنیم، خانه را مقدس یا امری عرفی بدانیم، چه نسبتی بین خانه و سایر ابعاد زندگی اجتماعی برقرار سازیم، چه آیین هایی را درون خانه و کدام را بیرون آن بجا آوریم و تمام اینها بواسطه «فرهنگ خانه» در هر جامعه پاسخ داده می شود. و فرنگ خانه زیر مجموعه ای از کلیت فرنگ جامعه است. از اینروست که هر جامعه ای فرنگ خاص خود را دارد، فرنگی که متناسب تاریخ و جغرافیا و تجربه های یک ملت و قوم شکل می گیرد و با تغییر فرنگ و شرایط اجتماعی، فرنگ خانه نیز تغییر می کند. و از اینروست که دوره های مختلف تاریخی، فرنگ های خانه مختلف را بوجود آورده و همچنان بوجود خواهد آورد. همچنین «معنادار بودن محیط» و تاثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن

انسان می نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با محیط و با قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء و یا به ذهن متبار م شود و نهایتاً «تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تاثیرات محیط» موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی بلکه با روشهای تجربی نیز به اثبات رسیده اند. در مقاله حاضر ابتدا به مفاهیم فرهنگ، مسکن و سکونت و مفاهیم مرتبط با آن، اشاره ای مختصر شد و سپس با بررسی ضمنی به مفهوم فرهنگ گرایی، و به نظریات فرهنگ گرایانه در مسکن و تاثیر تکنولوژی در ساخت و طراحی مسکن بالاخص مسکن ترکمن اشاره شد. در خصوص رویکردهای نظری به معنای محیط و خانه باید گفت که به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. الگوی حاکم بر رفتار گروه اول بیش از آنکه برگرفته از اقلیم و فرهنگ باشد تحت تأثیر اقتصاد و قواعد آن است. بر همین اساس، سرعت ساخت و ساز و صرفه اقتصادی، ارزش های کلیدی هستند که پرداختن به بسیاری از ملاحظات دیگر را غیر ضروری می دانند.

۲. در مورد گروه دوم نیز سنت ترجمه متون دانشگاهی اغلب فرصت چندانی به مهندسان ایرانی، برای شناخت مدل ها و قابلیت های فرهنگ بومی و خلاقیت در راستای آنها را نمی دهد، ضمن آنکه خود این گروه نیز درگیر محدودیت های اقتصادی و بازار هستند؛ بنابراین، در خروجی کار این گروه نیز اثری از مطالعه ارزش ها و هنجرها و انتظارات ساکنان و لحاظ کردن شان در فرآیند اجرا دیده نمی شود.

لذا باید گفت که عوامل ۶ گانه زیر در شکل خانه بومی تاثیرگذار است:

۱. «عوامل فیزیکی»: شکی نیست که عوامل فیزیکی یکی از مهمترین عناصر تأثیرگذار در شکل بناها و بویژه خانه ها است. توجه به اقلیم و موقعیت آب و هوایی محل استقرار بنا تأثیر مستقیم در انتخاب شکل آن داشته است. یکی از مهمترین

۳. سایت و موقعیت»: منظور از سایت و موقعیت، محل قرارگرفتن بنا است. موقعیت می‌تواند با توجه به جغرافیا و توپوگرافی در نظر گرفته شود یا مقصود از آن مکان قرار گرفتن بنا در همسایگی سایر بناهای مجموعه زیستی باشد. در این مورد نیز نمی‌توان قائل به جبر اکولوژیک بود و ادعای کرد که شکل بنا را موقعیت آن بر زمین یا موقعیت آن در شهر یا روستا تعیین می‌کند اگرچه این موضوع اهمیت دارد اما هرگز به تنها‌ی برای توجیه اشکال متنوع بناها کافی نیست. زمین‌های با مشخصات مشابه می‌توانند مولد شکل‌های بسیار متفاوت خانه‌ها باشند و شکل‌های مشابه می‌توانند در سایت‌های بسیار متفاوت ساخته شوند.

۴. «دفاع»: دفاع یکی از مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در شکل بنا است. حصارها، پرچین‌ها، دیوارهای بلند و همه به منظور ممانعت از ورود دیگران و گاه حتی به منظور استثمار از انظار دیگران ساخته شده و به بناها شکل داده است. خانه به خصوص بنایی است که باید قابلیت برآوردن حداکثر امنیت و نیز احساس امنیت را داشته باشد. به نظر می‌رسد سازماندهی فضایی بر اساس عامل دفاعی مستلزم توجه به سبک زندگی و به ویژه شیوه معیشت و باورهای انسان‌ها است؛ چراکه عامل دفاع با توجه به آنها مفهوم می‌یابد. به عبارتی این عوامل مشخص می‌کنند که چه چیزی بیشتر شایسته دفاع است.

۵. «اقتصاد»: نظریات بیشماری وجود دارد که اقتصاد را یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده شکل بنا و بلکه مهمترین آنها معرفی می‌کند. شواهد زیادی در دست است که انسان‌ها در همه ادوار خانه‌هایی متناسب با شیوه معیشت و توان اقتصادی خویش بنا نموده‌اند. اما شواهدی نیز موجود است که شکل بنا را از انحصار عامل اقتصاد خارج می‌کند و تأثیر بسیار قید و شرط آنرا زیر سئوال می‌برد. شیوه اقتصادی مشابه می‌تواند سازمان‌های فضایی مختلفی ایجاد کند. راپاپورت چنین نتیجه

کارکردهای خانه تأمین نیاز انسان به سرپناه است. انسان همواره در تلاش برای محافظت از خود در برابر تغییرات جوی بوده از اینرو ساخت خانه‌هایی متناسب با اقلیم سکونت گاه انسان‌ها اجتناب ناپذیر بوده است. گرچه امروز بهبود تکنیک‌ها و مصالح ساختمانی تا حدی جبر فیزیکی را تحت الشعاع قرار داده اما نتوانسته است آن را از فهرست عوامل مؤثر در شکل بنا خارج کند. از گذشته تا کنون مثال‌های گویایی از معماری خانه‌های منطبق بر شرایط اقلیمی را می‌توان برشمرد.

۲. «مصالح و تکنولوژی ساخت و ساز»: بشر در طول هزاران سال از مصالحی چون سنگ، خشت، چوب، حصیر و نمد و غیره برای ساختن خانه استفاده کرده است. گرچه یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که گاهی مصالح مورد نیاز برای بناها و به خصوص بناهای تشریفاتی و مناسکی، از سرزمین‌های دوردست منتقل می‌شده‌اند اما در اغلب موارد از مصالح در دسترس استفاده شده است. آشنایی با مصالح و نحوه استفاده از آنها برای ساختن خانه‌ای مناسب ضروری است. اما آیا می‌توان گفت شکل بنا صرفاً به مصالح استفاده شده در آن بستگی دارد؟ شکل بنا حاصل روند تدریجی مهارت انسان‌ها در بهره‌گیری از مصالح و بهبود تکنیک‌های ساخت و ساز است. البته نمی‌توان شکل بنا را تنها به مصالح یا تکنیک‌های به کار رفته نسبت داد. راپاپورت در بهترین حالت از تکنولوژی، شیوه ساخت و مصالح به عنوان «عوامل تغییر دهنده» و نه تعیین‌کننده شکل یاد کرده است. یافته‌های انسان‌شناسی نظر وی را تأیید می‌کند. به عنوان مثال در چین به رغم عمومیت استفاده از سفال و تکنیک واحد، ممکن است شکل پوشش سقف خانه‌های یک روستا به دلیل باور به پدیده فنگ شویی، با یکدیگر تفاوت داشته باشند. رابطه مصالح با تکنیک استفاده از آنها حائز اهمیت است. نحوه استفاده از مصالح یکسان می‌تواند بسیار متنوع باشد. عامل تعیین‌کننده فرهنگ است.

بررسی فاکتورهای مادی به دین به عنوان فاکتور غیر مادی تأثیرگذار در روند سازماندهی فضایی نیز اشاره شود. «دین به عنوان عامل بیان شکل خانه بیشتر امکان گر است تا تعیین کننده».

در مسکن ترکمنها بیشترین اصل مورد توجه میزان «اختلاط با طبیعت و زیست بوم» اطراف می باشد. در واقع نوع زندگی این افراد و شیوه زندگی انها که در ابتدا به صورت کوچ نشینی بوده است، امکان رابطه مسالمت آمیز با طبیعت اطراف را فراهم کرده است. لذا در تحلیل ساختار نحوی - کالبدی معماری مسکن ترکمنها در دوره های مختلف تاریخی و در برره های اجتماعی متفاوت، باید نگاهی عمده و رویکردی غالب به پیوستاری و همبستگی شکلگیری مسکن و طبیعت اطراف و نوع شیوه های استقرار و آداب و رسوم و بافت اجتماعی - فرهنگی این مناطق داشت که البته امروزه به واسطه تکنولوژی های نوین ساخت این گونه مسکن کمرنگ شده و رنگ باخته است. در رابطه با تاثیر تکنولوژی بر تغییر الگوهای زیستی ترکمنها می توان به مواردی به شرح زیر اشاره کرد:

۱. یکجاشین شدن ترکمنهای عشاير و تغيير پيشه و معيشت دامداری؛
۲. تغيير ارتباط و پيوستگي با طبیعت و زیست بوم منطقه به واسطه ساخت مساكن جديده؛
۳. تغيير نوع چيدمان و سازماندهی فضایي خانه های بومی و اوی های ترکمن از الگوی دaire ای به ساختار فعلی که مطابق با نظام پدرسالاري بافت اجتماعی ترکمنها بوده است؛
۴. از بين رفتن فضاهاي باز و نيمه باز در تمام های ترکمن که به «تلال» معروفند؛
۵. از بين رفتن محل نگهداري ماکيان و دام و طيور در تمام های ترکمن نسبت به مسکن امروزی ترکمنها؛
۶. تغيير محل آشپزخانه که بiron از خانه بوده و محل نان پختن و تنور؛
۷. تغيير تعداد و ابعاد اتاق در تامهای ترکمن نسبت

می گيرد که «اقوام با نظام های اقتصادي مشابه می توانند دارای نظام های ارزشی و جهان بینی های متفاوت باشند و از آنجا که خانه جلوه یا بيان فلسفه زندگی یا جهان بینی می باشد، در نتيجه نظام اقتصادي اثر تعیین کننده ای بر شکل خانه نخواهد داشت. رابطه اقتصاد و سازماندهی فضایي لزوماً عقلانی نیست. بسيار اتفاق می افتد که با ورود به شهر یا روستایی بی درنگ متوجه بناهای مجلل و با عظمت می شویم که منطقاً باید بیانگر ثروت مالکان آنها باشد. در حالیکه پس از چندی در می يابیم از چنان ثروت عظیمی برخوردار نیستند. نکته آنجاست که بنای مجلل نمادی از پرستیز و حیثیت یا به عبارتی سرمایه ای اجتماعی مالک است نه لزوماً سرمایه اقتصادي وی. با نگاهی به فهرست بلندترین برج های جهان، در می يابیم اکثر این برج ها که نیازمند صرف هزینه های گزارف هستند، در کشورهای در حال توسعه و نه کشورهای ثروتمند ساخته می شوند.

۶. «مذهب»: بازترین شکل اجبار غیر فیزیکی التزام به باورهای دینی است. افراطی ترین دیدگاه درباره ای تأثیر مذهب بر سیمای خانه آنست که خانه را به عنوان یک معبد و محلی برای عبادت می داند. این نظریات خانه را نمود سازماندی فضا به دو قسم مقدس و نامقدس معرفی می کند. خانه فضای درون را از بیرون، خودی را از دیگر جدا می سازد و مأمنی برای توسل به نیروهای مأمور طبیعی فراهم می کند. این قبیل نظریه ها تلاش دارند همه چیز را در خانه به عامل مذهب نسبت دهند. شاید با نگاهی سنجیده تر بتوان عامل مذهب را در شکل دادن به یک مجموعه، شکل کلی شهر مؤثر دانست. چراکه باعث گستردگی شدن سایه بر فضای کوچه در آفتاب کویری یزد می شود. در نهایت نگاه جبرگرایانه باید کنار گذاشته شود. می دائم واقعیتی وجود دارد، اینکه خانه نیز مانند تمام تولیدات فرهنگی دیگر دارای بار ارزشی و سمبولیک است. لذا در تعیین عوامل مؤثر بر شکل خانه لازم است ضمن

ارکان اجتماعی	(خانه) جوامع سنتی ترکمن	(مسکن و آپارتمان) جوامع مدرن ترکمن
الگوهای فرهنگی		
ارزش‌ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرد فرهنگ‌ها و تقابل فرهنگی اندک	نامتجاذس؛ تقابل فرهنگی زیاد بر اثر تاثیرات تعاملات و مواجهات فرهنگی و جهانی شدن در عصر اطلاعات
هنچارها	ظاهر اخلاقی والا؛ تحمل اختلافات اندک	ظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته اقوام ترکمن	زمان حال متصل به آینده (نامعلوم) اقوام ترکمن
تکنولوژی	پیش‌صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی	صنعتی؛ منابع انرژی بیشتر
ساختمار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت‌های اجتماعی متعدد؛ برخی انتسابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی محدود	وضعیت‌های اجتماعی محدود؛ اغلب انتسابی؛ خوبی‌سازی؛ خودگردانی
خویشاوندی	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوت ضعیف	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوت متابه
ارتباطات	چهره به چهره	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسائل ارتباط جمعی
نظرارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی	پلیس رسمی و سیستم قانونی
طبقه بنده اجتماعی	الگوهای نابرابر اجتماعی مقاوم؛ انعطاف‌قابل اندک	الگوهای شناور نابرابر اجتماعی؛ اعطاف قابل توجه
الگوهای جنسی	پدرسالاری محظوظ؛ زنان در میان خانه زندگی می‌کنند	کاهش پدرسالاری؛ افزایش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	متینی بر تولید اینووه صنعتی؛ کارخانجات مرکز تولیدند؛ افزایش کار اداری
وضعیت دولت	دولت با مقیاس کوچک؛ مداخله کم دولت در اوضاع اجتماعی	دولت با مقیاس بزرگ؛ مداخله کم دولت در اوضاع اجتماعی
خانواده	خانواده گسترشده به مفهوم اولیه اجتماع و تویید اقتصادی	خانواده هسته‌ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف‌گرای
مذهب	جهانی‌بینی مذهبی؛ ضعف در تجمعی مذاهب مذهب	تضییف مذهب توسط رشد علم؛ تجمع قابل توجه
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و لد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی زندگی پایین به دلیل ارتفاعی استاندارهای زندگی و ایجاد ارتفاعی استاندارهای زندگی و تکنولوژی درمانی گمراه کننده ابتدایی	زاد و لد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل پایین بودن استاندارهای زندگی و تکنولوژی درمانی گمراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمده‌تاً توضیع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

به مسکن امروزی؛

۸. تغییر مفهوم محرومیت و جدایی گزینی مهمان از افراد خانه از خانه های قدیم ترکمن تا مساکن جدید آنها؛

۹. تغییرات گستردگی در معماری داخلی و فضاهای داخلی خانه های بومی نسبت به مسکن فعلی ترکمن.

اصول سیاستی و برنامه های پیشنهادی فرهنگی بخش مسکن در رابطه با اقوام بومی و بالاخص ترکمنها در راستای ارتقاء میزان سازگاری بهتر با فرهنگ بومی منطقه و مناسبات فرهنگی- اجتماعی آنها عبارتند از:

۱- تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه طراحی معماری در بخش مسکن و لزوم نقد تحولات فرهنگی رایج در شرایط معاصر معماری ایران و جستجوی راهکارهای مدیریتی و نظارتی در ارتقاء برهمکنش سازنده معماری و فرهنگ؛

۲- تقویت بنیانها و تمایلهای ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع اثرگذاری این مولفه-های هویتی و فرهنگی و اجتماعی در زمینه طراحی مسکن؛

۳- گسترش زمینه مشارکت و مبادرت مردم در امور فرهنگی، هنری و علمی و همچنین حمایت از فعالیتها و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه بخش مسکن با نظارت ارگانهای و سازمانهای متولی وابسته به ساختار دولت؛

۴- بازشناسی و ارزیابی مواريث و سنن تاریخی و ملی در عرصه های مختلف طراحی مسکن ایرانی- اسلامی و نگاهبانی از مأثر و مواريث اسلامی و ملی در حوزه معماری؛

۵- فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق در رابطه با معماری فرهنگی و بهره گیری از نتایج آن در همه زمینه ها منجمله طراحی و ساخت مسکن بومی مبتنی و منتج از فرهنگ و مولفه های اجتماعی اصیل موجود؛

۶- شناخت فرهنگ و تجربه های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی و با بهره گیری از کلیه روشهای و ابزارهای مفید و مناسب در زمینه برنامه هویتی و ماهوی مسکن؛

منابع و مأخذ

۱. اشتري، بهروز (۱۳۶۵) ترکمن و تبار، مجموعه مقالات مردم شناسی، دفتر سوم.
۲. باشلار، گاستون (۱۳۹۲) بوطیقای فضا، ترجمه: مریم کمالی، محمد شیربچه، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول
۳. برومبرژه، کریستین (۱۳۷۰)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاء الدین گوشه گیر، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴. بیتی، حامد (۱۳۹۱) ارزیابی جایگاه مسکن بومی در برنامه های ساخت و ساز مسکن روستایی، مدیریت شهری، شماره ۲۹.
۵. پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۴.
۶. پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶) ترکمن های ایران، مجله هنر و مردم، دوره ۴، ش ۴۱، ۴۲ و ۶۴ (اسفند ۴۴ و فروردین ۴۵، بهمن ۴۶).
۷. پوری، عبدالحمید (۱۳۷۶) شناسایی طرح ها و نقوش فرش ترکمن، مجموعه مقالات سمینار علمی فرش ترکمن، جهاد سازندگی استان گلستان، گرگان ۲۳-۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۶
۸. خاکپور، مژگان (۱۳۸۴) مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
۹. خاکپور، مژگان و دیگران (۱۳۹۴) ویژگیهای اجتماعی- فرهنگی مسکن بومی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹.
۱۰. راپاپورت، ایموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
۱۱. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه های فرهنگی معماری، ترجمه صدف ال رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، زمستان

۱۲. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۳. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صد آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.
۱۴. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۵. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله همگنی یا ناهمگنی در محله‌های شهری، ترجمه شبنم اسماعیلی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۶. راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
۱۷. راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.
۱۸. راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۹. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخصهای معماری مسکن روستایی در ایران، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
۲۰. سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰) پدیدارشناسی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳.
۲۱. شفایی، مینو و رامین مدنی (۱۳۹۰) تبیین روش زمینه یابی در طراحی الگوی مسکن روستایی، آرمانشهر، شماره ۷.
۲۲. شوای، فرانسوا (۱۳۸۲) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲) الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۳.
۲۴. فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۶) مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱
۲۵. کیتسی، جاتین (۱۳۷۸) اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرشاهای شرقی، مجله قالی، ش ۹۰
۲۶. کنعانی، محمد امین (۱۳۷۹) ترکمن‌های ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴.
۲۷. گلی، امین (۱۳۸۷) تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها، نشر علم، تهران.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۹. لوگاشوا، بی بی رابعه (۱۳۵۹) ترکمن‌های ایران، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات شبانگ.
۳۰. نوربری شولتز، کریستیان (۱۳۸۱) مفهوم سُکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران، نشر آگه، چاپ اول.
۳۱. نوربری شولتز، کریستین (۱۳۸۰) تفکر هایدگر در معماری، ترجمه نیر طهوری، نشریه معمار، شماره ۱۲.
۳۲. نوربری شولتز، کریستیان (۱۳۸۲) معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، نشر جان جهان.
۳۳. وامبری، آرمینیوس (۱۳۶۵) سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۳۴. یاراحمدی، محمود امیر (۱۳۷۸)، به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۵. یاران، علی و ارس مهرانفر (۱۳۹۴) تطبیق شاخصهای مسکن بومی گیلان با معماری مدرن غرب، آرمانشهر، شماره ۱۵.